



الكتاب الجديد

سرناسه: ورد، کالین، ۱۹۲۴ - ۲۰۱۰ م. Ward, Colin
عنوان و نام پدیدآور: آنارشیسیم: درآمدی کوتاه/نویسنده کالین وارد؛ ترجمه‌ی محمودرضا عبداللهی.
وضعیت ویراست: [ویراست ۲].
مشخصات نشر: تهران: افکار جدید، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۸۵ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴؛ ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۴۲-۷۶-۹
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۴۲-۷۶-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Anarchism: a very short introduction, 2004.
موضوع: آنارشیسیم [Anarchism]
موضوع: آنارشیسیم -- تاریخ [Anarchism -- History]
شناسه افزوده: عبداللهی، محمودرضا، ۱۳۵۴ -، مترجم
رده بندی کنگره: ۸۳۳ HX
رده بندی دیویی: ۳۳۵/۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۷۱۱۰۷
وضعیت رکورد: فیبا

آنا رشي سم

مجموعه ي درآمدي كوتاه - ۱

نويسنده: كالين وارد

مترجم: محمود رضا عبداللهي



افکار جدید

آناشیشیم مجموعه‌ی درآمدی کوتاه - ۱ (ویرایش جدید)






نویسنده: کالین وارد
مترجم: محمودرضا عبداللهی

نمایه‌ساز: زهرا صدقی
نمونه‌خوان: سروین هنرور
ناظر فنی چاپ: مینا مغانلو
صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده

چاپ و صحافی: پردیس دانش
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۴۲-۷۶-۹

نشانی: تهران، خیابان نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب ایستگاه
متروی نواب، برج گردون، ورودی شمال، طبقه‌ی نهم، واحد ۹۰۳
کدپستی: ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶
تلفن دفتر و دوزنگار: ۰۲۱۶۶۳۸۳۳۱۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

 nashreafkar@gmail.com
 @nashrafkar
 nashreafkar
 Fidibo.com/nashreafkar
 Taaghche.ir/nashreafkar

فهرست مطالب



۱	درباره‌ی نویسنده.....
۳	پیش‌گفتار نویسنده.....
۵	فصل یکم: تعاریف و بنیان‌گذاران.....
۱۷	فصل دوم: دوران انقلاب.....
۲۹	فصل سوم: حکومت، جامعه و سقوط سوسیالیسم.....
۳۹	فصل چهارم: در رقابت با ناسیونالیسم و بنیادگرایی.....
۴۹	فصل پنجم: جلوگیری از نابهنجاری و آزادسازی کار.....
۶۱	فصل ششم: آزادی در آموزش.....
۷۳	فصل هفتم: پاسخ فردگرایانه.....
۸۵	فصل هشتم: انقلاب‌های آرام.....
۹۵	فصل نهم: برنامه‌ی فدرالیستی.....
۱۱۱	فصل دهم: آرمان‌های سبز و آینده‌ی آنارشیسم.....
۱۲۱	کتاب‌نامه.....



۱۳۱	برای مطالعه‌ی بیشتر	۱۳۱
۱۳۳	پیوست‌ها	۱۳۳
۱۳۵	زندگی‌نامه‌ی ژوزف پی‌یر پرودون	۱۳۵
۱۳۹	زندگی‌نامه‌ی میخائیل آکساندروویچ باکونین	۱۳۹
۱۴۳	زندگی‌نامه‌ی پیتر آکسیویچ کروپوتکین	۱۴۳
۱۴۹	زندگی‌نامه‌ی اِما گلدمن	۱۴۹
۱۵۵	گاه‌شمار آنارشسیسم	۱۵۵
۱۵۹	تصاویر	۱۵۹
۱۷۳	واژه‌نامه‌ی انگلیسی به فارسی	۱۷۳
۱۷۹	نمایه	۱۷۹

درباره‌ی نویسنده

کالین وارد^۱ متولد ۱۹۲۴ در شهر وانستید^۲ واقع در استان اسکس^۳ بریتانیاست. او بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۰، سردبیری روزنامه‌ی آنارشستی فریدم^۴ را به عهده داشت. در ۱۹۶۱، ماهنامه‌ی آنارشستی با نام آنارش^۵ پایه‌گذاری کرد و تا سال ۱۹۷۰ سردبیر آن مجله بود.

کالین وارد زمانی که در ارتش بریتانیا در زمان جنگ جهانی دوم خدمت می‌کرد، به آنارشسیسم روی آورد. او که مشترک نشریه‌ی آنارشستی گزارش جنگ^۶ بود، در ۱۹۴۵، از محل خدمت خود به لندن فراخوانده شد تا در دادگاه سردبیران این نشریه شهادت دهد؛ آن‌ها متهم بودند با چاپ مقاله‌ای سربازان را به ترک انجام وظیفه تشویق کرده‌اند. وارد در دادگاه به شدت علیه این اتهام صحبت کرد؛ گرچه، سرانجام، نویسندگان به حبس محکوم شدند.

در سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰، با جدیت به فعالیت‌های آنارشستی پرداخت. در

1. Colin Ward (1924-2010)

2. Wanstead

3. Essex

4. *Freedom*

5. *Anarchy*

6. *War Commentary*

۱۹۷۱، به مقام کارشناس آموزشی انجمن برنامه‌ریزی‌های شهری استانی بریتانیا^۱ برگزیده شد.

وارد آثار بسیاری در حوزه‌ی آموزش، معماری و برنامه‌ریزی شهری تألیف کرده است. مهم‌ترین اثر او به نام کودکان در شهر^۲ (۱۹۷۸) درباره‌ی کودکان خیابانی است. از دیگر آثار او می‌توان به آنارشی در عمل^۳ (۱۹۷۳) و مسکن: رویکردی آنارشیستی^۴ (۱۹۷۶) اشاره کرد.

عقاید آنارشیستی کالین وارد مبتنی بر این نظریه است که تمامی اشکال سازمان‌های اجتماعی سلطه‌جو و قدرت‌گرا باید از میان بروند و جای آن‌ها را سازمان‌هایی خودگردان و غیر سلسله‌مراتبی بگیرند. در ۲۰۰۱، دانشگاه آنجلیا راسکین^۵ به آقای وارد نشان دکترای افتخاری اعطا کرد.

م.ر.ع

-
1. Town and Country Planning Association (TCPA)
 2. *The Child In The City* (1978)
 3. *Anarchy in Action* (1973)
 4. *Housing: An Anarchist Approach* (1976)
 5. Anglia Ruskin University

پیش‌گفتار نویسنده

آنارشیزم ایدئولوژی‌ای سیاسی و اجتماعی است که با وجود شکست تاریخی، همواره در ظاهری نو یا در کشوری جدید دوباره سر برآورده است؛ به گونه‌ای که مدام باید در رویدادنگاری آن فصلی تازه گشود، یا به گستره‌ی آن جنبه‌ای دیگر افزود. در ۱۹۶۲، جرج وودکاک^۱ کتابی ۴۷۰ صفحه‌ای به نام آنارشیزم^۲ نوشت که انتشارات پنگوئن^۳ آن را پیوسته چاپ و منتشر کرده است؛ این کتاب به زبان‌های بسیاری ترجمه شده است و شاید پرخواننده‌ترین کتاب درباره‌ی این موضوع در جهان باشد. وودکاک تا زمان مرگش در ۱۹۹۵ چندین پی‌نوشت برای روزآمد کردن کتاب به آن افزود.

در ۱۹۹۲، پیتر مارشال^۴ کتابی در بیش از ۷۰۰ صفحه به نام مطالبه‌ی امر ناممکن: تاریخ آنارشیزم^۵ (انتشارات هارپرکالینز^۶) نگاشت که به نظر می‌رسد

1. George Woodcock (1912-1995)

2. *Anarchism: A History of Libertarian Ideas and Movements* (1962)

3. Penguin Book

4. Peter Marshall (1946-)

5. *Demanding the Impossible: A History of Anarchism* (1991)

6. HarperCollins

در فروش جهانی از کتاب قبلی پیشی گرفته است. چاپ این کتاب وودکاک را آسوده خاطر کرد: او نوشت، «حالا کتابی هست که وقتی از من می پرسند چه موقع می خواهم کتاب آنارشیزم خود را روزآمد سازم، خوانندگان را به آن ارجاع می دهم.» من هم، همانند دیگر خوانندگان، از توانایی پتر مارشال در ساده سازی مفاهیم پیچیده و کندوکاوش در زوایای ناشناخته‌ی تاریخ آنارشیزم بسیار سپاس گزارم. برای دهه‌ها، وقتی در جست و جوی عقیده یا واقعیتی بودم، به نیکلاس والتر^۱ تلفن می زدم؛ او در سال ۲۰۰۰ درگذشت. جزوه‌ی کوچک و پاکیزه‌ی او به نام دربار‌ی آنارشیزم^۲ بخشی از گنجینه‌ی جهانی آثار آنارشیستی محسوب می شود؛ این اثر هنوز در مخزن کتاب‌فروشی انتشارات فریدم^۳ موجود است. کاری که من انجام داده‌ام، گلچین کردن بوده است: صرفاً کوششی برای آشنایی خواننده با عقاید آنارشیستی با تعداد محدودی از کلمات و ارجاع او به منابع بیشتر. در این گستره‌ی عظیم، همه‌ی تأکیدها مسلماً از من است.

سی دابلیو

فوریه‌ی ۲۰۰۴

1. Nicolas Walter (1934-2000)

2. *About Anarchism* (1969)

3. Freedom Press

فصل یکم؛ تعاریف و بنیان‌گذاران

کلمه‌ی «آناشی» ریشه‌ی یونانی دارد و از کلمه‌ی آنارکیا^۱ به معنای مخالف با قدرت یا بدون حاکم می‌آید و تا پیش از ۱۸۴۰، که پی‌یر ژوزف پرودن^۲ آن را برای نام‌گذاری ایدئولوژی اجتماعی و سیاسی خود برگزید، در معنایی تحقیرآمیز به کار می‌رفت. بحث پرودن این بود که سازمان‌یافتگی بدون وجود حکومت هم مطلوب است و هم ممکن. در سیر اندیشه‌های سیاسی، آنارشیزم را می‌شود خواست نهایی هر دو مکتب لیبرالیسم و سوسیالیسم دید و جریان‌های متفاوت در اندیشه‌ی آنارشیزم را به تأکید بیشتر آن‌ها بر یکی از این دو مکتب مربوط دانست.

از نظر تاریخی، آنارشیزم نه تنها برآمده از شکاف عمیق میان تهی‌دستان و ثروتمندان در همه‌ی جوامع و علت مبارزه‌ی تهی‌دستان برای دستیابی به سهم خود از دارایی مشترک بود، بلکه پاسخ به پرسش اساسی «اشتباه چه بود؟»^۳ به حساب می‌آمد که پس از پیامدهای انقلاب فرانسه مطرح شد. انقلاب تنها به حکومت وحشت و ظهور طبقه‌ی حاکم ثروتمند جدید منجر نشد، بلکه فرمانروایی ستوده

1. *anarkhia*

2. Pierre-Joseph Proudhon (1809-1865)

3. What went wrong?

همچون ناپلئون بناپارت^۱ را با خود آورد که در سرزمین‌های تازه فتح کرده‌ی خویش یکه‌تازی می‌کرد.

آنارشیزست‌ها و پیشگامان آن‌ها در میان چپ سیاسی از این نظر یگانه بودند که تصریح می‌کردند طبقه‌ی جدید سیاستمداران، که اولویت‌شان همانا برپایی دوباره‌ی حکومت مقتدر و متمرکز بود، قطعاً به کارگران و دهقانان خیانت کردند؛ کارگران و دهقانانی که پس از قرن‌ها این فرصت را یافته بودند که به بهره‌کشی و خودکامگی پایان دهند. پس از پیروزی هر قیام انقلابی، که معمولاً مردم عادی جورش را می‌کشیدند، حاکمان جدید در به‌کارگیری خشونت و وحشت، پلیس مخفی و ارتش دائم و حرفه‌ای، به منظور حفظ سیطره‌ی خود، لحظه‌ای درنگ نمی‌کردند.

در نظر آنارشیزست‌ها حکومت خود دشمن به حساب می‌آید؛ و آن‌ها همه‌ی انقلاب‌های قرن‌های نوزدهم و بیستم را چنین تفسیر کرده‌اند. این فقط به این علت نیست که همه‌ی حکومت‌ها مخالفان خود را زیر نظر می‌گیرند یا بعضاً مجازات می‌کنند، بلکه به این علت است که همه‌ی حکومت‌ها از امتیازات طبقاتی قدرتمندان نگرهبانی می‌کنند.

گرایش عمده‌ی مکتب آنارشیزم در طول بیش از یک قرن آنارکوکمونیسم^۲ بوده است؛ این جریان معتقد است اجتماعات محلی، که با دیگر انجمن‌ها حول اهداف مشترک متعددی متحد شده‌اند، باید مالکیت زمین، منابع طبیعی و وسایل تولید را مشترکاً در دست گیرند. این گرایش با سوسیالیسم دولتی متفاوت و با ایجاد هرگونه قدرت مرکزی در تضاد است. برخی آنارشیزست‌ها ترجیح می‌دهند آنارکوکمونیسم و آنارکوکلکتیویسم^۳ را تفکیک کنند تا بر آزادی مالکیت بر منابع ضروری زندگی، که

1. Napoleon Bonaparte (1769-1821)

2. anarchist-communism

3. collectivist anarchism

مسئلاً مطلوب فرد یا خانواده است، تأکید کنند، در حالی که این به معنای دفاع از حق مالکیت بر منابعی که دیگران به آن نیازمندند، نیست.

تأکید آنارکوسندیکالیسم^۱ بر کارگران صنعتی شکل یافته است که می‌توانند از طریق «اعتصاب عمومی اجتماعی»^۲ از سرمایه‌داران سلب مالکیت کنند و بدین ترتیب صنایع و اداره‌ی امور آن را در دست بگیرند.

تعجبی ندارد اگر از چندین نحله‌ی آنارشیسیم فردگرایانه^۳ نام ببریم؛ یکی از آن‌ها ریشه در «خودمداری آگاهانه»^۴ ماکس اشتیرنر^۵ (۱۸۰۶-۱۸۵۶) نویسنده‌ی آلمانی دارد و دیگری برآمده از آرای تعدادی از شخصیت‌های برجسته‌ی آمریکایی قرن نوزدهم است که معتقدند برای حفاظت از آزادی و استقلال خود و همکاری با دیگران برای بهره‌مندی مشترک همه به هم یاری می‌رسانیم. تفاوت این متفکران با لیبرال‌های طرفدار بازار آزاد در بی‌اعتمادی مطلقشان به نظام سرمایه‌داری آمریکا و در اهمیتی است که به اشتراک‌گرایی^۶ می‌دهند.

در اواخر قرن بیستم، گروه جدیدی از متفکران، که در فصل هفتم به آن‌ها می‌پردازیم، واژه‌ی لیبرتارین یا آزادی‌خواه^۷ را بر خود نهادند؛ این واژه را کسانی که چنین دیدگاهی داشتند، پیش از آن به جای آنارشیسیم به کار برده بودند.

آنارشیسیم صلح‌طلب^۸، هم، گرایش به ضد نظامی‌گری دارد که حکومت و اتکای اساسی آن به ارتش را مردود می‌شمارد و هم بدین باور است که جامعه‌ای انسانی که از نظر اخلاقی پذیرفتنی است به حسن نیت فرد فرد اعضای آن جامعه اتکا دارد.

1. anarcho-syndicalism

2. social general strike

3. Individualist anarchism

4. conscious egoism

5. Max Stirner (1806-1856)

6. mutualism

7. libertarian

8. pacifist anarchism

این جریانات و سایر جریان‌های تفکر آنارشیزستی بر نکات متفاوتی تأکید دارند. آنچه همه‌ی آن‌ها را به یکدیگر مربوط می‌سازد، نفی قدرت بیرونی است، خواه حکومت باشد یا کارفرما و خواه مقامات و سلسله‌مراتب باشند یا نهادهایی رسمی مانند مدرسه و کلیسا. این در مورد مشرب‌های آنارشیزستی گوناگونی که به تازگی ظهور کرده‌اند - مانند آنارکوفمینیسم^۱ و آنارشیزم سبز^۲ - صدق می‌کند. مثلاً، کسانی که معتقدند آزادی حیوانات جنبه‌ای از آزادی انسان‌ها است، ادعا می‌کنند آنارشیزم تنها ایدئولوژی‌ای است که با هدف‌هایشان همخوانی دارد.

معمولاً، سنت آنارشیزم را با چهار متفکر و نویسنده‌ی بزرگ می‌شناسند. اولین آن‌ها ویلیام گادوین^۳ (۱۷۵۶-۱۸۳۶) بود که در کتاب خود با عنوان پرسش‌هایی در باب عدالت سیاسی^۴، چاپ ۱۷۹۳، موضع آنارشیزم را در برابر دولت، قانون، مالکیت و نهادهای حکومتی شرح داد. گادوین همسر مری وولستونکرافت^۵ و پدر مری شلی^۶ بود؛ او هم وارث سنت مخالفت با کلیسای انگلستان و هم میراث‌دار فیلسوفان فرانسوی^۷ به حساب می‌آمد. این کتاب او را به سرعت مشهور ساخت، ولی اندکی بعد در فضای سیاسی اوایل قرن نوزدهم با خصومت و بی‌اعتنایی مواجه شد و با اینکه مخفیانه در محافل رادیکال خوانده می‌شد، در دهه‌ی ۱۸۹۰ بود که جنبش آنارشیزستی به آن دوباره اهمیت داد.

دومین این پیشاهنگان پی‌یر-ژوزف پرودون (۱۸۰۹-۱۸۶۵) نام داشت؛ پرودون که مبلغی سیاسی بود، اولین کسی است که خود را آنارشیزست نامید. در

1. anarcha-feminism

2. green anarchism

3. William Godwin (1756-1836)

4. Enquiry Concerning Political Justice

۵. Mary Wollstonecraft، نویسنده و فمینیست انگلیسی (۱۷۵۹-۱۷۹۷).

۶. Mary Shelley، رمان‌نویس مشهور انگلیسی (۱۷۹۷-۱۸۵۱).

۷. French philosophes، متفکران و روشنفکران محبوب قرن هجده، نظیر دیدرو، ولتر و روسو. م.

۱۸۴۰ با نوشتن مقاله‌ای با نام «مالکیت دزدی است»^۱ مشهور شد، اما او همچنین معتقد بود «مالکیت آزادی است.»^۲ پرودون هیچ تناقضی میان این دو شعار نمی‌دید، زیرا به گمان او واضح بود که اولی درباره‌ی زمین‌داران و سرمایه‌دارانی است که مالکیت آن‌ها حاصل غصب و استثمار است و حکومت، قوانین مالکیت، پلیس و ارتش آن را برایشان حفظ می‌کند؛ حال آنکه شعار دومی درباره‌ی خانواده‌ای دهقان یا پیشه‌ور است که داشتن مسکن، زمین برای کشاورزی و وسایل حرفه‌ی خود حقی مسلم و طبیعی است، اما این به معنی اجازه‌ی حق مالکیت یا تسلط بر خانه، زمین و وسایل امرار معاش دیگران نیست. به پرودون انتقاد می‌شد که بازمانده‌ی ندای دهقانان و پیشه‌وران ساده در اجتماع‌هایی کوچک است، اما او همیشه آماده بود با برشمردن اصول اتحادیه‌ای موفق به این انتقاد پاسخ دهد.

سومین چهره‌ی برجسته‌ی آنارشیسم کلاسیک، انقلابی روس، میخائیل باکونین^۳ (۱۸۱۴-۱۸۷۶)، است، که به حق به سبب مشاجراتش با مارکس^۴ در بین‌الملل اول^۴ در دهه‌ی ۱۸۷۰ مشهور شد. در آنجا بود که برای جانشینانش با دقت بی‌نظیری نتیجه‌ی دیکتاتوری‌های مارکسیستی قرن بیستم را پیش‌بینی کرد. باکونین می‌گفت: «آزادی بدون سوسیالیسم بی‌عدالتی و امتیاز انحصاری است، اما سوسیالیسم بدون آزادی برده‌داری و وحشی‌گری است.» توضیحاتش درباره‌ی این برداشت، در کتاب‌های بی‌شماری که پس از فروپاشی اتحاد شوروی و رژیم‌های اقماری‌اش درآمده، نقل شده است. نمونه‌ای از این ملاحظات، نامه‌ای است در ۱۸۷۲، که در آن اشاره می‌کند: به اعتقاد من آقای مارکس، گرچه خیلی صادق نیست، انقلابی‌ای جدی به حساب می‌آید و نیز بسیار طرفدار قیام توده‌هاست و من تعجب می‌کنم از اینکه او چگونه می‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد که برقراری دیکتاتوری جهانی، فردی یا جمعی،

1. "Property is Theft"

2. Michael Bakunin (1814–1876)

3. Karl Heinrich Marx (1818–1883)

4. First International

دیکتاتوری ای که برای خود مقام هدایت انقلاب جهانی را قائل شود و - مثل کنترل کردن ماشین - بر قیام توده‌ها در همه‌ی کشورها تسلط یابد، برای نابود کردن انقلاب و منحرف کردن و از کار انداختن همه‌ی جنبش‌های مردمی کافی است.

آخرین این متفکران مهم اشراف‌زاده‌ای به نام پیتر کروپتکین^۱ (۱۸۴۲-۱۹۲۱) باز هم اهل روسیه بود. شهرت اصلی او به سبب کارهایش در مقام جغرافی‌دان و مجموعه‌ی کتاب‌ها و جزواتی بود که در آن‌ها می‌کوشید پایه‌های علمی آثارشیسیم را روشن سازد. تسخیر نان^۲ (۱۸۹۲) کتابچه‌ای درباره‌ی «خودسازمان‌دهی»^۳ در جامعه‌ی پس از انقلاب بود. یاری متقابل: عامل تکامل^۴ (۱۹۰۲) را برای مقابله با برداشت‌های غلط از داروینیسیم نوشت که سرمایه‌داری رقابتی را توجیه می‌کرد؛ کروپتکین در کتاب خود، براساس مشاهده‌ی علمی جمع‌های حیوانی و اجتماعات انسانی، ثابت می‌کند رقابت درون گونه‌ای اهمیتی بسیار کمتر از همکاری به‌مثابه‌ی پیش شرطی برای بقا دارد.

مزارع، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها^۵ (۱۸۹۹) رساله‌ی کروپتکین درباره‌ی انسانی ساختن کار و محیط آن، از راه یکی‌سازی کشاورزی و صنعت، کار فکری و بدنی و آموزش ذهنی و عملی بود. آثار او که بیش از دیگر نویسندگان آثارشیسیم در سراسر جهان خوانده می‌شد، آثارشیسیم را با عقاید جدید بوم‌شناسی اجتماعی و تجربه‌های روزمره پیوند می‌داد.

1. Peter Kropotkin (1842–1921)

2. *The Conquest of Bread* (1891)

این اثر با عنوان فرعی «رساله در دفاع علمی از اتوپیای آثارشیسیتی» در قالب جلد اول «مجموعه آثار کروپتکین» با ترجمه‌ی رضا اسکندری از مجموعه‌ی «متون کلاسیک آثارشیسیم» نشر افکار منتشر شده است.

3. Self-organization

4. *Mutual Aid: A Factor of Evolution* (1902)

به‌عنوان جلد سوم م. آ. کروپتکین با ترجمه‌ی هومن کاسبی در نشر افکار منتشر شده است.

5. *Fields, Factories and Workshops* (1899)

به‌عنوان جلد چهارم م. آ. کروپتکین با ترجمه‌ی هومن کاسبی در نشر افکار منتشر شده است.

بعضی آنارشισت‌ها خوش ندارند هویت آنارشισم را با نویسندگان مشهور این مکتب یکی بگیریم. آن‌ها می‌گویند هر کجای جهان که عقاید آنارشισتی مطرح می‌شود، فعالی پیدا می‌شود که می‌کوشد دستگاه چاپی به دست آورد، از جریان‌های آنارشισتی در طول تاریخ قیام‌های مردم ستم‌دیده آگاهی یابد و به ایده‌هایی دست یابد تا بتواند راه‌حل‌های آنارشισتی را در تنگناها و دشواری‌ها به کار بندد. آن‌ها منشأ آرمان‌های آنارشισتی را در قیام‌های بردگان در دوران باستان، شورش‌های دهقانی در اروپای قرون وسطی، اهداف جنبش دیگرها^۱ در انقلاب دهه‌ی ۱۶۴۰ انگلستان، انقلاب‌های ۱۷۸۹ و ۱۸۴۸ فرانسه و کمون پاریس^۲ در ۱۸۷۱ جست‌وجو می‌کردند. در قرن بیستم، آنارشισم در انقلاب ۱۹۱۱ مکزیک، انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و از همه برجسته‌تر در انقلاب اسپانیا که در پی‌اش شورشی نظامی پدید آمد که جنگ داخلی ۱۹۳۶ را تسریع کرد، نقش داشت. نقشی را که آنارشισت‌ها در این انقلاب‌ها بازی کردند، در فصل‌های پیش رو شرح می‌دهیم.

در همه‌ی این انقلاب‌ها، تقدیر آنارشισت‌ها شکستی قهرمانانه بود. اما آنارشισت‌ها الزاماً به کلیشه‌ی انقلاب نهایی، که برخلاف بقیه‌ی انقلاب‌ها پیروز می‌شود و آرمانشهر پدید می‌آورد، باور نداشتند. گوستاو لاندائوئر^۳، آنارشισت آلمانی، این‌گونه تصریح می‌کرد که:

حکومت چیزی نیست که انقلاب آن را از میان ببرد، بلکه وضعیت یا رابطه‌ای بین انسان‌ها و شیوه‌ای از رفتار آدمی است؛ با ایجاد روابطی جدید و با رفتاری دیگر می‌توان آن را از میان برد.

افزون بر این، اگر آنارشισت‌ها نتوانستند جامعه را آن‌گونه که امید داشتند، تغییر

۱. Diggers: گروهی که طرفدار الغای مالکیت خصوصی بودند و در سال ۱۶۴۹ شروع به کاشت در زمین‌های عمومی کردند. م.

2. Paris Commune (1871)

3. Gustav Landauer (1870-1919)